

نگاهی زبان‌شناسانه به تئوری شعر نیما

زهرا خسروی^۱

چکیده

در این نوشته «هنجارگریزی» در شعر «ری را» ی نیما به عنوان تبیین کننده پاره‌ای از حرفهای وی درباره شعر بررسی می‌شود. نیما معتقد است باید شعر را به طبیعت بیان نثر نزدیک کند، همچنین می‌گوید: «شعر باید مشکل فهمیده و آسان گفته شود.»

واژه‌های کلیدی: نظام عروضی، طبیعت نثر، آشنایی‌زدایی، هنجارگریزی، برجسته‌سازی.

«نیما یوشیج، پدر شعر نو ایرانی ...» این عبارت، معرفی معمولی از نیما است که گاه مخاطبان وی را به ستایش و گاه به غور و گذار واداشته است، «نیما قوانین عروضی شعر قدما را درهم شکست ...»

این جمله نیز نیما را درهم شکننده نظام عروضی قدما معرفی می‌کند و آن را برجسته‌ترین وجه امتیاز او بر شعر دیگران می‌داند، خود نیما می‌گوید: «من عقیده‌ام این است که

۱- فارغ‌التحصیل رشته ادبیات نمایشی - دانشگاه تهران

مخصوصاً شعر را از حیث طبیعت بیان آن به طبیعت نثر نزدیک کنم و به آن اثر دلپذیر بدهم.»

به نظر می‌رسد ادعای خود نیما مبنی بر چالش با طبیعت بیان و زبان، سکوی پرتاب مناسبی برای شناخت شعر وی از طریق رهیافتی زبانشناسانه باشد. اولین مسئله‌ای که در این رابطه مطرح می‌شود چیستی طبیعت نثر است. پور نامداریان در «خانه‌ام ابری است»^۲ طبیعت بیان نثر را از دو زاویه می‌نگرد:

۱- خصوصیات سبکی نثر، از طریق تأمل در نمونه‌های مشهور و بررسی مختصات زبانی آن، که تفاوت‌های متعدد با شعر (نظم) دارد و به سبب مقید نبودن به وزن و قافیه، طبیعی‌تر یا روان‌تر و از نظر رعایت قواعد دستوری بقاعده‌تر و از نظر لغات و ترکیبات، ساده فهم‌تر و یک‌دست‌تر و از نظر تألیف فاقد پیچیدگی و تعقید است.

۲- کیفیت تولید نثر و بیان طبیعی گفتار برخلاف تولید و نوشتن شعر (نظم) به انتخاب، جابجایی ترکیب و تنظیم کلمات (برای آنکه در وزن و قالب معینی بگنجد) نیاز ندارد. در بیان کلام به صورت نثر یا گفتار طبیعی می‌توانیم بدون توقف و تأمل معانی‌ای را بیان کنیم که در ذهن حاضرند یا بتدریج در ضمن فعالیت ذهن تولید می‌شوند و در آگاهی ما حضور پیدا می‌کنند... برای آنکه جریان سخنگویی و تولید طبیعی معنی و قالب بیان منظوم انقطاع نپذیرد و در نتیجه این انقطاع پذیری‌های مکرر از مسیر طبیعی خود منحرف نشود، یا باید از اصل صحت و قاعده‌مندی کلام - که از طریق تأمل در گزینش کلمات و ترکیبات آنها و رعایت اصول و قواعد حاکم بر زبان ادبی هم در حوزه صرف و نحو و هم در حوزه بلاغت ممکن می‌شود - و یا از اصل معنی‌رسانی روشن و ساده و برقراری ارتباط با خواننده بگذریم. «نیما طبیعت نثر را از زاویه دوم می‌نگرد.»

۱- سیروس طاهباز، نیما یوشیج، درباره شعر و شاعری، دفترهای زمانه، تهران ۱۳۶۸، ص ۳۴۷

۲- تقی پورنامداریان، در خانه‌ام ابری است، سروش، ۱۳۷۷، ص ۱۶۳ و ۱۶۴

بنابراین پور نامداریان طبیعت نثر را، نظم جریان کلمات در ذهن مؤلف می‌پندارد که این تعبیر از نثر یادآور یکی دیگر از تأملات نیما درباره شعر است:

«شعر باید مشکل فهمیده و آسان گفته شود.»^۱

چنان‌که پیداست، تلاش نیما برای رسیدن به طبیعت نثر و آسان گفتن، سویه دیگری نیز دارد و آن مشکل فهمیدن است. مشکل فهمیدن که به بررسی سویه‌های مختلف شعر منجر می‌شود و در نتیجه تأمل و تعمق بیشتری را برمی‌انگیزد. چنین عملی در نگاه زبانشناسانه آشنایی‌زدایی^۲ خوانده می‌شود که با توجه به تعریف ساده‌ای از آن یعنی: غریبه کردن مفاهیم آشنا و عادی شده برای ایجاد تازگی دوباره و درک لذت بیشتر، به مفهوم هنجارگریزی^۳ که یکی از ابزارهای آشنایی‌زدایی است راه می‌بریم. هنجارگریزی که در واقع انحراف از قواعد حاکم بر زبان هنجار است راهی برای برجسته‌سازی^۴ زبان و قراردادن آن در برابر زبان خودکار است. لیچ^۵ هشت گونه هنجارگریزی را از یکدیگر بازشناخته و به کمک آنها مجموعه‌ای از نمونه‌های کاربرد هر یک را در ایجاد شعر معرفی کرده است که شامل هنجارگریزی واژگانی، نحوی، آوایی، نوشتاری، معنایی، گویشی، سبکی و زمانی است. با این مقدمه و با نگاه به یافته‌های لیچ به بررسی انواع هنجارگریزی در یکی از شعرهای نیما - ری را - می‌پردازیم.

۱- سیروس طاهباز، همان، ص ۳۱.

- 2- Defamiliarization
- 3- Deviation
- 4- Foregrounding
- 5- Leech

۶- سیروس طاهباز، یوشیج نیما / مجموعه آثار نیما یوشیج (دفتر اول)، نشر ناشر، ۱۳۶۹ ص ۶۲۱

ری را

«ری را» ... صدا می آید امشب
از پشت «کاچ» که بند آب
برق سیاه تابش تصویری از خراب
در چشم می کشاند.
گویا کسی است که می خواند...

اما صدای آدمی این نیست.
با نظم هوش ربایی من
آوازهای آدمیان را شنیده‌ام
در گردش شبانی سنگین؛
زاندو ههای من
سنگین‌تر.
و آوازهای آدمیان را یکسر
من دارم از بر.

یکشب درون قایق دلتنگ
خواندند آنچنان؛
که من هنوز هیبت دریا را
در خواب می بینم.

ری را... ری را...
دارد هوا که بخواند
درین شب سیا.
او نیست با خودش،
او رفته با صدایش اما
خواندن نمی‌تواند.

۱۳۳۱

«هنجارگریزی نحوی»

بند اول) صدا می‌آید امشب از پشت «کاچ» ← امشب از پشت «کاچ» صدا می‌آید.
در این جمله گروه متممی پشت «کاچ» جابجا شده است.

بند آب برق سیاه تابش تصویری از خراب در چشم می‌کشاند ←
بند آب برق سیاه تابش تصویری از خراب را در چشم می‌کشد
۱ ۲

- ۱- در این جمله در گروه اسمی حذف عنصر واژگانی «را» صورت گرفته است.
- ۲- تکواژ «ا» اضافه شده است.

بند دوم) در گردش شبانی سنگین، زاندوهای من سنگین تر ←
در گردش شبانی سنگین که از اندوهای من سنگین تر هستند.
۱ ۲

- ۱- عنصر پیوندی «که» در گروه اصلی حذف شده است.

- ۲- فعل اسنادی در بند حذف شده است.

من دارم از بر ← من از بر دارم

در گروه فعلی، جز متمم جابجا شده است.

(بند چهارم) دارد هوا که بخواند در این شب سیا ←

در این شب سیا هوا دارد که بخواند

گروه قیدی جابجا شده است.

در گروه فعلی جابجایی صورت گرفته است.

«هنجارگریزی واژگانی»

(بند اول و چهارم) ری را: به نظر می‌رسد «ری را» نام آوای جدیدی است بی‌سابقه در شعر

فارسی

(بند اول) سیاه‌تاب: احتمالاً این واژه با توجه به واژه‌ای چون «عالم‌تاب» ساخته شده است.

(بند چهارم) دارد هوا ← هوا دارد

این واژه در قیاس با واژه‌ای چون «میل دارد» ساخته شده است.

«هنجارگریزی معنایی»

(بند اول)

بند آ ب برق سیاه تابش تصویری از خراب در چشم می‌کشاند.

به چشم کشاندن عملی انسانی است که به یک غیر انسان نسبت داده شده است.

(بند دوم)

گردش شبانی سنگین، زاندوهای من سنگین‌تر

سنگین صفتی است که برای عناصر ملموس به کار می‌رود در صورتی که شب و اندوه غیرقابل لمس‌اند.

«هنجارگریزی گویشی»

(بند اول)

کاچ، واژه‌ای مازندرانی است به معنای «قطعه کوچکی از جنگل در میان مزارع» که در زبان هنجار شعر - فارسی - به کار رفته است.

«هنجارگریزی سبکی»

(بند چهارم)

شب سیا: در این ترکیب در کلمه‌ی سیا همخوان /h/ حذف شده و تغییر آوایی صورت گرفته است.

درین: همخوان /?/ حذف شده و تغییر آوایی صورت گرفته است.

(بند دوم)

من دارم از بر ← از بر دارم

از بر بودن واژه‌ای است که در گفتار کاربرد دارد نه در نوشتار

«هنجارگریزی زمانی»

(بند دوم)

شبان

این واژه در شعر به معنای «شبها» به کار رفته است و «شبان» در زبان فارسی کنونی معنای دیگری دارد.

(بند چهارم)

خواندن نمی‌تواند

این ترکیب در نحو کنونی زبان فارسی منسوخ و متعلق به گذشته است.

منابع

۱. پورنامداریان، تقی / خانه‌ام ابری است / سروش ۱۳۷۷ تهران.
۲. صفوی، کوروش / از زبان‌شناسی به ادبیات (شعر) / پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی / ۱۳۸۰ تهران.
۳. صفوی، کوروش / از زبان‌شناسی به ادبیات (نظم) / نشر چشمه / ۱۳۷۳ تهران.
۴. یوشیج، نیما / درباره‌ی شعر و شاعری / گردآوری سیروس طاهباز / دفترهای زمانه، ۱۳۶۸ تهران.
۵. یوشیج، نیما / مجموعه آثار نیما یوشیج (دفتر اول) / سیروس طاهباز / نشر ناشر / ۱۳۶۹ تهران.